



نامه به پاپ Prevost

عالیجناب، پاپ Prevost،

نام من Ferdinando Frega است.

با احترام برای شما می‌نویسم، آگاه از اینکه وقت شما وقف مراقبت معنوی از میلیون‌ها انسان است و هر کلمه‌ای که به شما می‌رسد، پیش از آنکه به حضورتان برسد، از دست‌های بسیاری می‌گذرد.

شما پاپ هستید، اما پیش از آن، مردی آمریکایی با نام خانوادگی فرانسوی هستید. روی سختم با آن مرد است، پیش از آنکه با مقامتان باشد: با انسانی که مسئولیت، حافظه و تاریخی را بر دوش می‌کشد که پیش از خود آن نقش وجود داشت.

سال‌هاست که بر روایتی کار می‌کنم که رفتار انسانی، حافظه و کرامت انسانی را می‌کاود. در این مسیر، تصویری از عیسی آفریده‌ام که هرگز بی‌احترام نیست، هرگز کفرآمیز نیست و همواره با نهایت حرمت هدایت می‌شود. روایتی است که می‌کوشد آنچه را دیده نشده، آنچه را گفته نشده، آنچه را که پیش از آنکه به ساحت الهیات تعلق داشته باشد به ساحت انسانی تعلق دارد، آشکار کند.

در کار من، عیسی همچون مردی پدیدار می‌شود که در تاریخ و در میان مردم گام برمی‌دارد. و دوست دارم جزئیاتی از روایت را با شما در میان بگذارم که شاید لبخندی بر لب‌تان بنشاند: در کار من، او برای Gillette کار می‌کرد، و هیچ‌کس این را نمی‌دانست. Gillette مردی آمریکایی با نام خانوادگی فرانسوی بود، درست مانند شما.

در Gillettenarrative.com، در بخش *Eternity*، مسیری را خواهید یافت که به ساحت معنوی اختصاص داده‌ام. در بخشی که به سلامت روان اختصاص دارد، که برای من نقطه بی‌بازگشت هر زندگی انسانی است، چیزی را خواهید یافت که بسیاری تصورش را می‌کنند اما به راستی نمی‌شناسند: تأملی خودزندگی‌نامه‌ای درباره شکندگی، تاب‌آوری و مسئولیت در برابر خود و دیگران.

حرکتی هست که همراه شور من به نوشتن است: کارم را رایگان به هر خواننده‌ای در جهان می‌دهم. اما هر بار که کسی بخواهد مرا ببیند، بی‌هیچ‌گونه تمایزی، یک دلار می‌خواهم، امضاشده در هر دو رو. این بها نیست؛ نماد است. راهی برای به یاد آوردن اینکه هر دیدار انسانی ارزشی دارد و هیچ کلمه‌ای نباید بی‌آگاهی داده شود.

از شما چیزی نمی‌خواهم.

تنها می‌خواهم کارم را به‌عنوان سهمی صادقانه در تأمل بر معنای انسان بودن با شما در میان بگذارم. نوشته‌هایم به انگلیسی و بیست‌ویک زبان دیگر در دسترس است؛ ایتالیایی را در میان آن‌ها نخواهید یافت. زبانی است که به آن سخن می‌گویم و از بدو تولد از آن من است، با این حال برگزیدم که به آن ننویسم. خواهران فرقهٔ سن‌وینسنت، در مدرسهٔ شبانه‌روزی Reggio Calabria که در دههٔ 1970 هشت سال می‌زبان من بود، می‌گفتند که در ایتالیایی سزاوار نمرهٔ چهار هستم. همیشه به آنچه کلیسا و مربیان من به من آموختند احترام گذاشته‌ام.

از شما سپاسگزارم برای وقتی که شاید بخواهید به این سطرها اختصاص دهید.

ستوده باد عیسی مسیح.

پی‌نوشت.

این نامه‌ای سرگشاده است و برای خوانندگان منتشر خواهد شد. باور دارم که شفافیت یکی از والاترین جلوه‌های سرشت انسانی است. چیزی برای پنهان کردن ندارم جز پیش‌داوری‌هایی که هر یک از ما در درون دارد و زندگی ما را به چیرگی بر آن‌ها فرامی‌خواند. از همین رو، آنچه را می‌نویسم، آنچه را می‌اندیشم و آنچه را پیش روی شما می‌گذارم، به‌طور عمومی در میان می‌گذارم: زیرا حقیقت هرگز نباید از نور به‌راسد.

Ferdinando